

خانه دوست کجاست؟



می گوید تعداد دوستان واقعی اش از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی کند.

درباره «دوستی» با امیرحسین صدیق

این ور دیوار اون ور دیوار

پسر خون گرمی است... از هر کسی درباره امیرحسین صدیق پرسید، اولین چیزی که می گوید این جمله است. وقتی هم با او برخورد می کنید بی پروا گرد به این نتیجه می رسید. گرچه ظاهرش دیگر شبیه آن آقای پدر، قصه های تازه تا نیست، اما همان انرژی را هنوز حفظ کرده است. او تلقی های خاص خودش را از دوستی دارد و خوشحالم که جزو بازیگرهایی نبود که مرتب خودش را سانسور می کنند. اگر خواستید بپوشانید برایش میل بزیادت می توانید برپود سرراغ این نشانی: amirhossein@sedigh.com

منصور ضابطیان mnzb49@yahoo.com

● باعث یاخته شد برای «خانه دوست کجاست؟» به سراغ تو بیایم، حضورت در اینترنت بود. آنهايي که در اورکات با من در ارتباط هستند را دوست می نامم. دوست واقعی دوست، نامید یا نه ولی به هر حال مستقیم که رابطه خوب داشتن با آدم های دیگر، چه آنهايي که همیشه با آنها در ارتباطی و چه کسانی که مستقیم است دوستی زنده ای فقط یکبار بیستی شان، در اراده تصویری خوب از آدم تأثیر گذار است.

● دوست های عیب و غریب هم داشته ای؟ یعنی کسانی که حالا وقتی به آنها فکر می کنی خنده ات بگیرد که چطور با آنها دوست بوده ای؟ آره... یک دوست داشتم که یک بار رفتم به خانه شان و بعد فهمیدم یک پک بعد از اینکه از خانه شان بیرون آمدم او ریخته اند و او را گرفته اند. ● چرا؟ مگر چه کار کرده بود؟ قاچاقچی بود بیچاره. البته در این مورد با او دوست نبوده ام.

● دوست ترین دوستی که به یاد می آوری کیست؟ قدیمی ترین دوستم؟ باید اسم ببرم؟ ● اگر دوست داری، البته اگر یک فاجاچقی شناخته شده است بهتر است اسمش را نگوی. ... نه... قدیمی ترین دوستم «حسین رازیان» است که یک دوره با هم همکلاس بودیم و با هم می رفتیم کلاس تئاتر. ولی بعد او رفت دنبال کارهای آبرومند!

● چند سالگی با هم دوست بودی؟ ده دوازده سالگی. ● چه سالی بود؟ هزار و سیصد و سی... نه... سال ۱۳۸۹ من بودم و غلام حسین خان... (می خنده) نه فکر کنم سال ۲۰۰۳ تا ۱۳۶۲.

● کجا مدرسه می رفتی؟ توی نیشابور. ● اصلاً نیشابوری هستی؟ مادر و پدرم هر دو نیشابوری بودند اما خودم در تهران به دنیا آمدم. وقتی کلاس دوم بودم، پدرم فوت کرد. ما یکسالی در تهران ماندیم اما چون عمه و عموهای خیلی لطف داشتند وارث پدری ما برایشان خیلی گریهها به نظر می رسید، زندگی ما برایشان عجیب میسر شد و مادر ما را برد نیشابور. سه چهار سالی در نیشابور بودم و دوباره برگشتم. در واقع آنشایی من با حسین و تئاتر در همان جا بود.

● پس خیلی باید از همه و عموها ممنون باشی! آره... ولی اگر آن پول را هم بهمان می دادند نمی رفتی. ● بله، منظورم این است که گاهی با همه تلاشم در پنهان کردن آن، چندین بار مرا لوم می دهد. ● دنبال بیشتر کردن این آرایش هستی؟ آره هستم، ولی نمی شود. چون شرایط طوری نیست که این آرایش بیشتر شود.

● یعنی گریه ای هم کردی... بله، منظوری این است که گاهی با همه تلاشم در پنهان کردن آن، چندین بار مرا لوم می دهد. ● دنبال بیشتر کردن این آرایش هستی؟ آره هستم، ولی نمی شود. چون شرایط طوری نیست که این آرایش بیشتر شود.

● دوست هم در مقابل پول رفتار کنی تو؟ من توام خودم را قضاوت کنم ولی فکر نمی کنم دیگران مشکلی با ما بپوشد این به صورت آب می درزین. ● یعنی گریه ای هم کردی... بله، منظوری این است که گاهی با همه تلاشم در پنهان کردن آن، چندین بار مرا لوم می دهد. ● دنبال بیشتر کردن این آرایش هستی؟ آره هستم، ولی نمی شود. چون شرایط طوری نیست که این آرایش بیشتر شود.

● دوست هم در مقابل پول رفتار کنی تو؟ من توام خودم را قضاوت کنم ولی فکر نمی کنم دیگران مشکلی با ما بپوشد این به صورت آب می درزین. ● یعنی گریه ای هم کردی... بله، منظوری این است که گاهی با همه تلاشم در پنهان کردن آن، چندین بار مرا لوم می دهد. ● دنبال بیشتر کردن این آرایش هستی؟ آره هستم، ولی نمی شود. چون شرایط طوری نیست که این آرایش بیشتر شود.

● دوست هم در مقابل پول رفتار کنی تو؟ من توام خودم را قضاوت کنم ولی فکر نمی کنم دیگران مشکلی با ما بپوشد این به صورت آب می درزین. ● یعنی گریه ای هم کردی... بله، منظوری این است که گاهی با همه تلاشم در پنهان کردن آن، چندین بار مرا لوم می دهد. ● دنبال بیشتر کردن این آرایش هستی؟ آره هستم، ولی نمی شود. چون شرایط طوری نیست که این آرایش بیشتر شود.

● دوست هم در مقابل پول رفتار کنی تو؟ من توام خودم را قضاوت کنم ولی فکر نمی کنم دیگران مشکلی با ما بپوشد این به صورت آب می درزین. ● یعنی گریه ای هم کردی... بله، منظوری این است که گاهی با همه تلاشم در پنهان کردن آن، چندین بار مرا لوم می دهد. ● دنبال بیشتر کردن این آرایش هستی؟ آره هستم، ولی نمی شود. چون شرایط طوری نیست که این آرایش بیشتر شود.

تأثیر گذاران بر امیر حسین صدیق

مادرم همیشه یاد می آید که عکس های شاه و فرح را می سوزاند. البته توهم محله مان که مجید بود دیده خانواده ارمنی بودند که دو تا دختر و یک پسر داشتند که با هم خیلی رفیق بودیم. یک پسر پرشورتر هم بود به اسم کارمان که بعداً فوت کرد.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

● خودت هم پرشور فکری؟ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نیشابور باعث شد با کتاب های مختلف در نهایت نگاه های مختلف آشنا شوم. کتاب هایی که در آن سال ها هنوز از کتابخانه نیشابور نبودند.

راستش برای خیلی ها انرژی نمی گذارم

یعنی نه انرژی و نه وقتش را دارم که بخوام وارد فضای دوستی با آنها بشوم

برای همین دیوار نیمه بلندی دور خودم کشیده ام

که تعداد آدم های کمی این طرف هستند و بقیه آن ور دیوار می مانند

چون این جور بیشتر به نفع است. ● هیچ وقت فکر نمی کنی که ریز وک باید طبلشان را بدهی؟

● چرا گاهی فکر می کنم. اما وقتی بینم خیلی مزاحم می شوند و می آیند در خانه... ● مجبور می شوی طلب شان را بدهی... ● نه، مجبور می شوم خانه ام را عوض کنم. ● الان توی اورکات چند تا دوستی داری؟

● الان هزار تا دارد کرده ام و دارم «امیرحسین صدیق» دورا درست می کنم. البته در حقیقت مدیریت اورکات با برادرم انوشیروان است و بیشتر کارها را او انجام می دهد اما قفل مشورت می کند که مثلاً برای سائیتی چه بنویسم و من به او می گویم و او می فرستد. ● کارهای سایست را هم خودت انجام نمی دهی؟

● نه آن هم با برویجه های فوروینت است که بخاطر آنکه به آنها کمتر دسترسی دارم، دیر به دیر هم به روز می شود. ● این کارها را بیشتر برای اینکه بازیگر هستی و نیاز به روابط عمومی داری انجام می دهی؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

● عرف از چه نظر؟ از این نظر که دیگران چه بگویند. ● چرا؟ ایراد از کجاست؟

● خب، برای خیلی ها مهم است که درباره بازیگران بدانند. من خودم اگر یک آدمی مثل خسرو شکیبایی سایت داشته باشم و بدنام چیزهایی که روی آن می نویسند نوشته خودشان است می رود و آن را می خوانم. شاید یک نفر هم بخواند درباره اینکه من از کجا آمدم، اما منظور فکر می کنم نخواهد چیزهایی بداند. من فکر نمی کنم غیر از این خاصیت دیگری داشته باشد، چون بدنه بستان خاصی صورت نمی گیرد. ● چقدر توی ماجرای دوستی عرف برایت مهم است.

دنبال چه می گردی؟

در سال ۶۷ در خیابان پیروزی ساکن بود. این میل من را لطفاً چاپ کنید. Lmalekpour@yahoo.com لیدا ملک پور

حقیقتش دو دل بود که این ایمیل را بر اون بزنم یا نه راستش من الان حدود ۳ ماهی است که دنبال تحقیق در مورد دینار هراتی، «اعراب خوب ایران هستم، اما

دنبال چه می گردی؟

در سال ۶۷ در خیابان پیروزی ساکن بود. این میل من را لطفاً چاپ کنید. Lmalekpour@yahoo.com لیدا ملک پور

حقیقتش دو دل بود که این ایمیل را بر اون بزنم یا نه راستش من الان حدود ۳ ماهی است که دنبال تحقیق در مورد دینار هراتی، «اعراب خوب ایران هستم، اما

دنبال چه می گردی؟

در سال ۶۷ در خیابان پیروزی ساکن بود. این میل من را لطفاً چاپ کنید. Lmalekpour@yahoo.com لیدا ملک پور

حقیقتش دو دل بود که این ایمیل را بر اون بزنم یا نه راستش من الان حدود ۳ ماهی است که دنبال تحقیق در مورد دینار هراتی، «اعراب خوب ایران هستم، اما